

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۰۹ می ۲۰۲۴

نویسنده: مرجان کمال

بازنگری و تبصره: حمید انوری

از لابلای کتاب ماندگار

“افغانستان در تلاطم تاریخ”

قسمت بیست و هفتم

حکومت وحدت ملی:

زنده یاد "مرجان کمال" که روح شان همیشه شاد و یاد شان گرامی باد، تحت عنوان فوق، یک معلومات جامع و کافی و وافی و مستند و مشرح در کتاب ماندگار شان "افغانستان در تلاطم تاریخ" درج نموده اند که بی حد و اندازه مهم و منطقی و مستدل و در خور درنگ است. ایشان تحت همان عنوان فوق، به چندین موضوع مهم و حیاتی دیگر نیز پرداخته اند که زیر عناوین فرعی دیگر به هریک پرداخته شده است که در این مختصر، فقط عناوین را در زیر ذکر نموده و کمی از بسیار و ذره از خروار معلومات یاد شده را اینجا نقل کرده و تلاش می شود به آنها پرداخته شود. عناوین فرعی انتخابی آن روانشاد چنین آمده اند:

[شرایط تخریب و پوسیدگی سیستم سیاسی:

خلق نمودن مقام ریاست اجرائیوی:

یک اقدام مغایر قانون اساسی:

بعد از گذشت هفت ماه از تشکیل حکومت وحدت ملی، این حکومت به اولین هدفش که عبارت از تشکیل کابینه دولت بود، موفق نگردید. (تأکید ها از این قلم است)

این مشکلات سبب به تأخیر افتادن در تمام امور دولتی گردیده و حکومت را به رکود سوق داد. در حالی که روی دست گرفتن امور دولتی در واقع دلالت می کند به ترتیب در مقدم قرار دادن آن که عبارت بود از:

اولاً ریفرم یا اصلاح نمودن قانون انتخابات، خلق نمودن میکانیزم که بنیاد آن را شایسته سالاری برای انتخاب اعضای بلند پایه ادارات عامه و تنظیم و ترتیب نمودن لویه جرگه تا دو سال آینده... [از چند و چون مسأله که بگذریم، این اصل را باید قبول نمود که نه تنها دستان قوی و ناپاک داخلی در زمینه دخیل بود، بلکه دستان مقامات امریکائی و متحدین غربی آنان نیز تا مرفق ها در آن گند و رسوائی و فضیحت و ناهنجاری ها، آلوده بودند و زمینه فروپاشی را در دراز مدت آماده می ساختند و عاقبت هم همان شد که آنان توقع داشتند.

حال سوال ایجاد می شود که چرا و به کدام دلیل مقامات مسؤل امریکائی در تبنانی با متحدین غربی شان، در صدد مضمحل نمودن سیستمی بودند که خود با مصارف گزاف و قربانی های فراوان، به وجود آورده و در کابل مستقر نموده بودند.

دلیل اصلی و اساسی آن، این تواند بود که فساد اداری- اخلاقی و اقتصادی در بیست سال حضور نظامی آنان به اوج خود رسیده بود و در بین بلند پایگان نیروهای خارجی و داخلی بیداد میکرد و در سال های اخیر حضور نظامی آنان، حتی اداره تفتیش و کنترول "سیگار" نیز باربار در مورد حیف و میل سرمایه های گزاف، طی چندین راپور سالانه، بصورت متواتر و سالانه گزارش هائی به مقامات قصر سفید و پنتاگون پیشکش نموده بودند که هرگز به آنان توجه صورت نگرفت. بصورت نمونه به یکی از آن گزارش ها و راپور ها نظری می اندازیم:

" اداره سر مفتش خاص ایالات متحده برای بازسازی افغانستان در تازه ترین گزارش اش از فساد مالی در پرداخت حقوق نیروهای امنیتی و دفاعی پیشین افغانستان پرده برداشته و گفته که این پولها از سوی افراد غیر مسؤل دریافت شده است.

سیگار گفته که وزارت دفاع امریکا ۲۳۲ میلیون دالر را برای پرداخت حقوق نیروهای امنیتی و دفاعی پیشین افغانستان بدون محاسبه هزینه کرده است.

در این گزارش اما آمده که از اکتوبر ۲۰۱۹ تا اگست ۲۰۲۱، امریکا سالانه بیش از ۳ میلیارد دالر برای حمایت از نیروهای افغان هزینه میکرد.

این گزارش می افزاید، از آنجایی که وزارت دفاع ایالات متحده از سیستم نظارتی خود در پرداخت حقوق نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان به درستی استفاده نکرده است، اکنون این اداره نمی تواند دریابد که این میلیون ها دالر در کجا هزینه شده است.

بر اساس این گزارش سیگار، هرچند وزارت دفاع ایالات متحده امریکا تلاش کرده تا اطمینان حاصل کند که آیا این حقوق به درستی پرداخت می شود یا خیر، اما همچنان معاشات به نام سربازان خیالی پرداخت می شده و حقوق کارمندان وزارت دفاع داده نشده است.

اما آگاهان نظامی، امریکا را مقصر اصلی ترویج فساد در پرداخت معاشات نظامیان سابق عنوان میکنند.

در این گزارش آمده که از اکتوبر ۲۰۱۹ تا اگست ۲۰۲۱ تا زمان فروپاشی نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان، امریکا سالانه بیش از ۳ میلیارد دالر برای حمایت از این نیروها هزینه میکرد.

به گفته سیگار، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد، حقوق کارمندان وزارت دفاع ملی افغانستان به طور دقیق پرداخت نشده است، اما تا ماه اگست سال ۲۰۲۱ که نظام جمهوری فروپاشید، وزارت دفاع ایالات متحده به طور مداوم میلیاردها دالر به نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان درخواست کرده اند.

اداره سرمفتش خاص امریکا برای بازسازی افغانستان همچنان در این گزارش خود نوشته که وزارت دفاع امریکا نیز اعتراف کرده است که وزارت مالیه وقت افغانستان بدون تغییر ارقام و بدون اجازه یا حضور آنان، بودجه را به گونه ای نهایی کرد که قابل قبول نبود.

دیده می شود که تنها و تنها در امور دفاعی، یعنی وزارت خانه های داخله و دفاع و نیز ریاست امنیت آن، سالانه ۳ میلیارد دالر را حیف و میل میکردند.

این فساد گسترده اداری و اخلاقی آنقدر وسعت یافته بود که لاجرم بلند پایگان نظامی ناتو در افغانستان و نیز مشاورین ملکی و نظامی شانرا در خود غرق کرده بود و همه باهم در یک منجلاب عجیب و غریب، روز تا روز فرو و فروتر میرفتند.

آنچه ناتو در افغانستان پایه گذاری نمود، عاقبت دامن خودش را گرفت و مصارف فوق العاده گزاف آن زمان، اقتصاد شانرا به خاک سیه نشانده و فرزندان شان بصورت روزافزون به قربانگاه میفرستاد و نارضایتی گسترده مردم این کشور های عضو ناتو به اوج خود رسیده بود و انتخابات ریاست جمهوری امریکا نیز ممد این قضایا گردید و منجر به عقب گرد و حفظ جان عساکر شان شده و با عجله تمام خاک پاک کشور در خون نشسته ما را ترک کردند و مستخدمین حکومت "وحدت ملی"

را قربان منافع کشور های شان نموده و از شر یک مشت افراد فاسد، قلد، بی مغز و زورگو به راحتی نجات یافتند، ولی با درد و دریغ که مردم مظلوم افغانستان بار دیگر قربان امیال سخیف بیگانگان گشتند که خواهر دراک ما زنده یاد مرجام کمال همه کم و کیف و سر و ته آن حکومت "وحدت ملی" را با زیبایی تمام در کتاب ماندگار شان "افغانستان در تلاطم تاریخ"، درج نموده اند، البته با چشم دید ها، مصاحبات، مطالعات گسترده و تحلیل های منظم و منطقی و مستدل. در بیست سال جنگ و کشتار که غربی ها با سردمداری امریکا در کشور ما به راه انداخته بودند، آنچه از جنگ های مدهش و خانمان سوز روسیه شوروی در افغانستان هنوز باقی بود، با خاک یکسان گردید و دمار از روزگار مردم مظلوم افغانستان بدر آورد، اما در مقابل یک مشت افراد کورمغز، جاهل، قلد و بی بند و بار که از تمام خصائل نیکوی آدمیت و انسانیت بی بهره بودند، به نان و نوا رسیدند و در همان بیست سال حضور نظامی امریکا و ناتو، حدود ۳ تریلیون دالر را بی باکانه حیف و میل کردند و بیوه و یتیم افغانستان همچنان محتاج یک لقمه نان جوین در بیست و چهار ساعت بودند و روز تا روز به گدا و بیکار و بیمار و بی خانمان افزوده می شد.

افغانستان جنگ زده را بیباکانه به سوی فروپاشی هدایت کردند و هست و بودش را به غارت بردند و راه خود گرفتند و رفتند.

فساد مالی چنان در بین عساکر و فرماندهان و مشاوران ملکی و نظامی امریکائی به اوج خود رسیده بود که امروز در قصر های جنرالان امریکائی در سرتاسر ایالات متحده امریکا، کلکسیون هائی از سنگ های قیمتی، جواهرات کم یاب و آثار نایاب باستانی افغانستان به وفرت دیده می شود و هرکس به خوبی از آنها آگاهی دارد، حتی مقامات بلند پایه امریکائی.

اگر کزری و عبدالله جهت حفظ سرمایه های هنگفت منقول و غیر منقول شان با سر های افکنده در افغانستان باقی مانده اند، بیشمار از شریکان جرم و جنایت و غارت شان در کشور های غربی و امریکا کانادا و استرالیا و...، به بلیونها دالر و یورو و پوند از مال ملت مظلوم افغان به یغما و به تاراج برده و با راحتی و بی خیالی و بی وجدانی؛ با فرزندان و آل و عیال شان مشغول عیاشی و باده گساری هستند و شب و روز هم با همدیگر در تماس های آنچنانی هستند و خواب جنگ و ناامنی و آشوب و تفتین و تفرقه اندازی می بینند تا به اصطلاح آنها را گل آلود نموده و ماهی مطلوب خود را صید کنند و...، که البته و صد البته خواب است و خیال است و محال است و جنون.

بگفته مشهور "جهت نابود کردن یک جامعه، کافیست که فرهنگ آنرا نابود کرد." و آنچه امریکائی ها در کشور ما برای بیست سال تلاش داشتند، درست پیاده نمودن همین نظریه بود.